

۹۷۷۱-۹۷۷۲
ISBN 978-964-8036-07-0

احمد شاملو
۹۷۷۱
۹۷۷۲

۹۷۷۱
۹۷۷۲
۹۷۷۱

دشنه

در دیس



۹۷۷۱-۹۷۷۲
www.darb.com

دشنه

مجموعه شعر



انتشارات مروارید

ISBN 978-964-8036-07-0

۷	ضیافت
۲۶	شبهانه (یله بر نازکای چمن)
۲۸	در شب...
۳۱	گفتی که باد مرده ست...
۳۶	فراقی
۳۸	شبهانه (شانه ات مجاب ام می کند)
۳۹	زبان دیگر
۴۲	هنوز در فکر آن کلاغ ام...
۴۵	خطابه ی تدفین
۴۸	شکاف
۵۱	سمیر می
۵۳	سپیده دم
۵۵	ترانه ی آبی
۵۸	از منظر...
۶۰	باران
۶۲	شبهانه (زیباترین تماشاست)
۶۴	ترانه ی بزرگ ترین آرزو
۶۷	پریدن

فردا تمام را سخن از او بود. -
گفتند:

« - بر زمینه‌ی تاریکی آسمان
تنها

سیاهی شنلی نقش بسته است،

و تا زمانِ درازی

جز جنگِ جنگِ لُختِ رکابی بر آهنِ سگِ تنگ

و تیک و تاکِ رو به افولِ سُمی به سنگ

نشنیده گوشِ شب بیداران

آوازی.»

تنها دو تن سه تنی گفتند:

« - از هیبتِ سکوتِ بناهنگام در شگفت،

از پشتِ قابِ پنجره در کوچه دیده‌ایم

انبوهِ ظلمتی متفکر را

که می‌گذشته است

و اسبِ خسته‌یی را از دُنبال

می‌کشیده است

و سگ‌ها

احساسِ رازناکیِ حضوری غریب را

تا دیرگاه در شبِ پائیزی

لاییده‌اند

زیرا چنان سکوتِ شگرفی با او در ذهن نقش بسته‌ست

کآوازِ رویشِ نگرانِ جوانه‌ها بر توسه‌های آن سویِ تالاب

چون غریب

در گوش ما نشسته‌ست!»